

د: ۸۶/۲/۲۶

پ: ۸۶/۴/۱۰

مقایسه روش شناختی دو کتابشناسی کهن در جهان اسلام (فهرست نجاشی و فهرست ابن خیر)

سید محمّد عمادی حائری*

چکیده

فهرست‌ها یکی از انواع نگارشی تمدن اسلامی هستند که امروزه می‌توان با عنوان کتابشناسی از آنها نام برد. ویژگی اصلی کتاب‌های فهرست توجه به آثار مکتوب است و این مشخصه عمومی همه کتابشناسی‌ها علی‌رغم تنوع روش‌های آنها به شمار می‌آید. کتاب‌ها و رساله‌های کهن «فهرست» در موضوع، روش فهرست‌نگاری و شیوه تنظیم با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته‌اند. مقاله حاضر با مقایسه روش شناختی دو فهرست کهن در جهان اسلام (از قرون پنجم و ششم)، مشترکات و افتراقات آنها را نشان می‌دهد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در روش را تحلیل می‌کند.

کلیدواژه: فهرست‌ها، فهرست نجاشی، فهرست ابن خیر، کتاب، طریق روایت.

۱. درآمد

فهرست‌ها، در کنار موضوعات دیگر، مانند تفسیر قرآن، حدیث، فقه، عرفان، فلسفه، طب، و...، یکی از انواع نگارشی آثار اسلامی (مجموعه آثار پدیدآمده در تمدن اسلامی) هستند. اصلی‌ترین مشخصه کتاب‌های «فهرست»، توجه به آثار مکتوب است که ویژگی اصلی فهرست‌های کهن در تمایز با کتاب‌های «رجال»، «طبقات»، «معجم»،

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ پژوهشگر، عضو و دبیر گروه متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب (تهران).
Email: m.emadi@mirasmaktoob.ir

«تراجم» و «مشیخه» به شمار می‌رود. فن اول از مقاله اول فهرست ابن ندیم که گزارشی توصیفی از زبان ملل مختلف، خط و شکل کتابت آنها به دست می‌دهد،^۱ نشانگر همین پیش فرض در نگارش کتاب‌های فهرست است که نشان می‌دهد آنچه در نگارش‌های فهرستی مورد توجه بوده اثر مکتوب - و نه نقل شفاهی - است. این پیش فرض مشخصه عمومی همه کتابشناسی‌ها - علی‌رغم تنوع روش‌های آنها - است.

این نوع نگارشی البته مختص مسلمانان نبود، چنانکه جالینوس پزشکی نامدار یونانی (۱۲۹/۱۳۰-۱۹۹/۲۰۰ م) کتابی در فهرست آثار خویش تألیف کرده بود که پینکس (pinax) نامیده می‌شد. این فهرست مورد توجه خاص دانشمندان مسلمان قرار گرفت،^۲ چنانکه فهرست حنین بن اسحق (۱۹۴-۲۸۰ ق) در استدراک فهرست جالینوس و فهرست محمد بن زکریای رازی (۲۱۵-۳۱۳ ق) برای آثار خود (با عنوان الرسالة الهادیة الی الفهرست^۳) به پیروی از آن نوشته شد؛ دو فهرستی که از قدیمترین فهرست‌ها در جهان اسلام به شمار می‌آیند.

کتاب‌ها و رساله‌های کهن «فهرست»^۴ - که امروزه می‌توان از آنها با نام «کتابشناسی» یاد کرد - در موضوع، روش فهرست‌نگاری و شیوه تنظیم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند: برخی فهرست‌ها آثار یک مؤلف را دربرمی‌گیرند و برخی دیگر آثار مؤلفان گوناگون را؛ از این دسته اخیر برخی اولویت را به مؤلف می‌دهند و پس از معرفی او از آثار وی یاد می‌کنند، و برخی دیگر برای موضوع اصالت قائل می‌شوند و در ذیل هر موضوع از آثار مؤلفان گوناگون نام می‌برند؛ برخی از فهرست‌ها نگاشته خود مؤلف برای آثار خود هستند، و برخی دیگر فهرست‌هایی‌اند که فهرست‌نگار آثار فردی دیگر را در آن فهرست می‌کند.

مشهورترین «فهرست» در میان مجموعه نگارش‌های کتابشناسی در جهان قدیم اسلامی (پیش از قرن هفتم)، فهرست ابوالفرج محمد بن اسحاق بن محمد بن اسحق بغدادی مشهور به ابن ندیم (م ح ۳۸۰ ق)^۵ است، چنانکه امروزه عنوان «فهرست» به صورت عنوان خاص کتاب وی درآمده است. تاریخ تألیف الفهرست ابن ندیم سال ۳۷۷ ق است که ظاهراً او پس از این تاریخ نیز برخی مطالب را به آن افزوده است. فهرست ابن ندیم از ده «مقاله» تشکیل شده که هر مقاله - جز مقاله دهم - خود به چند بخش موضوعی با عنوان «فن» تقسیم می‌شود. فهرست ابن ندیم از نظر موضوع، فهرستی فراگیر به شمار می‌آید که همه موضوعات شناخته شده در جهان اسلامی قرن چهارم را دربرمی‌گیرد.^۶

برای نمونه‌ای دیگر از فهرست‌های کهن در جهان اسلام، باید از فهرست کوتاهی که ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق) برای آثار محمد زکریای رازی، پزشک و فیلسوف ایرانی، تألیف کرده نام برد. بیرونی در این فهرست، آثار رازی را ذیل ۱۱ بخش (طب، طبیعیات، منطقیات، ریاضیات و نجومیات، تفسیرها و تلخیص‌ها و اختصارها، فلسفی و تخمینی، مافوق‌الطبیعه، الاهیات، کیمیائیات، کفریات، و فنون پراکنده) یاد کرده^۷ و در پایان فهرستی از آثار خود نیز به دست داده است.

پس از قرون ششم و هفتم، فهرست‌نگاری به روش گذشته - با همه تنوعی که فهرست‌های قدما داشت - از رونق افتاد. از سوی دیگر، در یکی - دو قرن اخیر فهرست‌نگاری به روش خاورشناسان اروپایی در میان مسلمانان (به ویژه در ایران) رواج یافت. این جریان متأخر که هنوز نیز ادامه دارد، بیشتر بر فهرست و شناسایی نسخه‌های خطی تأکید داشت تا بر کتابشناسی موضوعی یا کتابشناسی به طور عام. محمد تقی دانش‌پژوه (۱۲۹۰-۱۳۷۵ ش) را باید سرحلقه این جریان در ایران دانست. در نسل پس از وی، دو فهرست‌نگار ایرانی نسخ خطی به تدوین کتابشناسی موضوعی نسخه‌های خطی - عربی و فارسی - دست زدند: سید محمدباقر حجتی با تألیف فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران،^۸ و احمد منزوی با تألیف فهرست نسخه‌های خطی فارسی.^۹ اندکی پیش از ظهور این جریان جدید، کتابشناسی‌هایی در جهان اسلام تألیف شد که گرچه از روش فهرست‌های قدیم پیروی نمی‌کرد، با روش‌های کتابشناسی غربی نیز تفاوت‌هایی داشت. فهرستی که عالم اسماعیلی مذهب قرن ۱۲، اسماعیل اجینی مشهور به «مجدوع»، برای کتاب‌ها و رساله‌های اسماعیلی تألیف کرد، در روش و انگیزه تدوین (انگیزه عقیدتی، تقسیم‌بندی موضوعی و اختصاص به آثار دینی) به برخی فهرست‌های کهن شباهت داشت.^{۱۰} در محدوده جهان شیعه به طور خاص باید از کتابشناسی مفصل آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق) با نام الذریعة الی تصانیف الشیعة نام برد. تهرانی در نگارش موسوعه خود همانند برخی فهرست‌های قدیم انگیزه‌ای مذهبی داشت؛ اما فهرست او از این جهت که از نظم موضوعی یا ترتیب نام مؤلفان پیروی نمی‌کرد و بر اساس الفبای نام کتاب‌ها مرتب شده بود به روش کتابشناسی‌های متأخر مانند کشف‌الظنون حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷ ق) نزدیک می‌شد.

در رأس کتابشناسی‌های جدید مسلمانان، باید از تاریخ نگارش‌های عربی فؤاد سزگین (محقق ترک زبان) به زبان آلمانی یاد کرد.^{۱۱} سزگین کتاب خود را بر اساس موضوع و در هر موضوع به ترتیب سال وفات مؤلفان تنظیم کرده است. کتاب سزگین — که آثار مؤلفانی را که پیش از سال ۴۳۰ ق می‌زیسته‌اند دربرمی‌گیرد — در میان کتابشناسی‌های معاصر، از حیث شیوه تنظیم و تدوین، بیش از همه به الفهرست ابن ندیم نزدیک است. کار وی از نظر تنظیم موضوعی و اشتغال بر همه موضوعات به الفهرست ابن ندیم شباهت دارد. با این همه نمی‌توانیم گفت که وی تحت تأثیر ابن ندیم این شیوه تنظیم را برگزیده یا به پیروی از کتابشناسان غربی و مشخصاً کارل بروکلمان آلمانی؛ گو اینکه اشاره وی در مقدمه کتابش که انگیزه اولیه خود از تألیف این اثر را تکمیل تاریخ ادبیات عرب بروکلمان معرفی می‌کند،^{۱۲} می‌تواند مؤید احتمال دوم باشد. در این میان، کتابشناسی‌یی که سید حسین مدرسی طباطبایی در سال‌های اخیر با نام میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری منتشر کرده،^{۱۳} هرچند به عنوان متمم بخش امامیه از کتاب سزگین تألیف شده،^{۱۴} دقیقاً بر پایه روش کتابشناسی محدثان شیعی قرون چهارم و پنجم — مانند فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی — نوشته شده است. مدرسی در کتاب خود از این ایده سزگین که معتقد است کتابت از قرون اولیه در جهان اسلام وجود داشته و بازمانده آثار کهن مفقود را در کتاب‌های بعدی می‌توان یافت پیروی می‌کند، ولی پایه کار او در یافتن پاره‌های متون کهن متقدم شیعی، عمدتاً بر سلسله اسنادی که در فهرست‌های نجاشی و طوسی (هر دو از قرن پنجم) برای آن کتاب‌ها یاد شده مبتنی است و روش تدوین کتاب وی نیز برابر با اسلوب همان دو فهرست کهن شیعی است.

تنوع کتابشناسی (فهرست‌های کهن در روش‌های تنظیم و تدوین، گویای تنوع مخاطبان و کاربران آنهاست. نوشته پیش‌رو با تأمل در روش‌شناسی دو فهرست کهن در جهان اسلام (از قرون پنجم و ششم)، می‌کوشد تا مشترکات و مفترقات آنها را نشان دهد و تحلیل کند؛ دو فهرستی که مؤلفان آنها به رغم فاصله زمانی بیش از یک قرن، بعد مکانی و گرایش‌های مذهبی متفاوت، به جهت حوزه علمی مشترک، از روش تقریباً همسانی در فهرست‌نگاری پیروی می‌کنند.

۲. نجاشی و فهرست او

۲-۱. احوال و آثار، زمان و مکان

ابوالعباس (یا: ابو الحسین) احمد بن علی نجاشی اسدی از علمای امامی مذهب اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. از احوال و زندگانی او چیز بسیاری نمی دانیم و بیشتر آگاهی های ما از او مبتنی بر تنها اثر باقی مانده از وی با نام فهرست اسماء مصنفی الشیعه است. نجاشی در صفر سال ۳۷۲ ق احتمالاً در بغداد متولد شد. خانواده او از خاندان های علمی کوفه بودند و پدر وی از محدثان کوفی بود که در سفر صدوق به بغداد در سال ۳۵۵ از او حدیث شنید و کتاب هایش را سماع کرد. نجاشی به غری (نجف)، کوفه، سامرا و بصره سفر کرد و از مشایخ آنها اجازه روایت گرفت. از استادان نجاشی باید شیخ مفید (م ۴۱۳)، ابن عبدون بزاز (م ۴۲۳)، ابن نوح بصری (م ح ۴۲۰)، ابن جندی (م ۳۹۶)، حسین بن عبیدالله غضائری (م ۴۱۱)، عباس بن عمر کِلُوذانی (م ۴۱۴)، عبدالواحد بن مهدی (م ۴۱۰) و ابن ابی جید را نام برد. آثار او عبارتند از: فهرست اسماء مصنفی الشیعه، کتاب الجمعة و ما ورد فيه من الاعمال، کتاب الکوفة و ما فيها من الآثار و الفضائل، کتاب انساب بنی نصر بن قعین و ایامهم و اشعارهم، کتاب مختصر الانواء (الانوار) و مواضع نجوم التي سمّتها العرب، اخبار بنی سنسن و احتمالاً کتابی در تفسیر؛ که از آن میان تنها فهرست او به دست ما رسیده است. نجاشی در جمادی الاول سال ۴۵۰ - پس از سرکوب شیعیان بغداد - به مطیرآباد (روستایی در نزدیکی رود فرات) رفت و در همان جا درگذشت.^{۱۵} نجاشی پیش از سال ۴۱۹ تا پس از سال ۴۳۶ ق به تألیف فهرست خود مشغول بوده است.^{۱۶}

فهرست نجاشی تا کنون چند بار به چاپ رسیده^{۱۷} که مشهورترین آنها متن ویراسته [آیت الله] سید موسی شبیری زنجانی است که نخستین بار در سال ۱۴۰۷ ق در قم منتشر شد و پس از آن چندبار تجدید چاپ گردید. چاپ مورد استناد ما در این مقاله همین متن ویراسته است.

۲-۲. عنوان اثر

در عنوان فهرست نجاشی جای بحث هست. در مقدمه نجاشی عنوانی برای فهرست او - حتی به تلویح و اشاره - نمی توان یافت، اما در آغاز جزء دوم کتاب در متن موجود عنوان «کتاب فهرست اسماء مصنفی الشیعه و ما أدرکنا من مصنفاتهم و ذکر

طرف من کناهم و التفاهم و منازلهم و انسابهم و ما قيل في كل رجل منهم من مدح أو ذم» آمده است (فهرست نجاشی، ص ۲۱۱). این عبارت — که از زبان نجاشی است — شاید در اصل مقدمه او موجود بوده، چنانکه مضمون برخی از آنها — مثلاً اشاره به ذکر مدح و ذم مصنفان — در مقدمه فهرست طوسی هم دیده می‌شود.^{۱۸} یکی دو قرن پس از نجاشی فهرست وی به نادرست به «رجال» شهرت یافت.^{۱۹} تصریح نجاشی به «رجال» در مقدمه و عنوان مذکور در سرآغاز جزء دوم، تدوین فهرست به ترتیب نام مصنفان و کاربرد تعابیر رجالی در مدح و ذم راویان، بی‌تردید در این نامگذاری نادرست مؤثر بوده است.

۲-۳. مقدمه: روش‌نامه و گرایش‌های فهرست‌نگار

نجاشی همچنین در مقدمه خود اشاره می‌کند که برای روایت آثار هر مصنف (به تعبیر او: رجل) به ذکر یک طریق (= سلسله سند) بسنده می‌کند تا ذکر طرق به طول نیجامد و کتاب از هدف اصلی خود دور نیفتد (ص ۳، سطر آخر). با وجود این عبارت، متن فهرست نجاشی نشان می‌دهد که وی گاه دو یا چند طریق برای روایت یک اثر یاد می‌کند^{۲۰} و گاه نیز هیچ طریقی برای روایت کتاب ذکر نمی‌کند.^{۲۱} ذکر چند طریق برای روایت یک نسخه — چنانکه از تصریح نجاشی به خوبی برمی‌آید —^{۲۲} به سبب اختلاف نسخه‌های اثر است که هر طریق به روایت یک نسخه منتهی می‌شود؛ اما عدم ذکر سلسله سند بدین دلیل است که نجاشی خود طریقی برای روایت آن کتاب نداشته و تنها آن را دیده یا خبر وجود آن را از کسی شنیده است.^{۲۳}

نجاشی در تألیف فهرست خود انگیزه‌ای مذهبی داشته است. وی در مقدمه اشاره می‌کند که این کتاب را به قصد پاسخگویی به گروهی از مخالفان شیعه که می‌گفتند شیعه پیشینه‌ای از دانشمندان و آثار مکتوب ندارد تألیف کرده است (ص ۳). اما پیشینه فهرست‌نگاری علمای امامیه نشان می‌دهد که نباید هدف نجاشی را به این جدال کلامی محدود کرد.

نجاشی در ادامه مقدمه کوتاه خود اشاره می‌کند که پیش از وی گروهی از امامیه کتاب‌هایی در این «فن» — یعنی گردآوری نام مؤلفان و آثار آنان — تألیف کرده‌اند، اما کتاب آنان نام همه کتاب‌ها را دربر ندارد (ص ۳). این اشاره نشان می‌دهد که سنت فهرست‌نگاری پیش از نجاشی در میان امامیه سابقه داشته است. نجاشی در کتاب خود

صراحتاً از کتب «فهرستات» یاد می‌کند^{۲۴} که استفاده او از مجموعه‌ای از کتاب‌های فهرست را نشان می‌دهد. این را نیز می‌دانیم که او از فهرست‌های حمید بن زیاد (م ۳۱۰)، ابن ندیم (م ح ۳۸۰)، ابن بطه (م قرن ۴)، ابن ولید (م ۳۴۳) و حسین بن حسن بن بابویه (م در قرن ۴) در تألیف کتاب خود بهره برده است.^{۲۵} جز فهرست ابن ندیم، همگی این فهرست‌ها از محدثان شیعی هستند و چنانکه منقولات نجاشی نشان می‌دهد، از نظر موضوع و روش همانند فهرست نجاشی و از زمره همان فهرسی‌اند که وی در مقدمه خود بدان اشاره کرده است.

با مراجعه به مقدمه فهرست شیخ طوسی بهتر می‌توان به پیشینه و روش فهرست‌نگاری محدثان امامی پی برد. طوسی در مقدمه خود یادآور می‌شود که مشایخ حدیثی امامیه فهرست‌هایی برای اصول، کتب و تصنیفاتی که روایت می‌کردند تألیف کرده‌اند، اما فهرس آنان کامل نیست و تنها کتاب‌هایی در آنها ذکر شده که خود آنها را روایت می‌کرده‌اند یا در کتابخانه‌های آنان موجود بوده است.^{۲۶} وی در ادامه به دو فهرست جداگانه که احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری برای «مصنفات» و «اصول» شیعه تألیف کرده بود اشاره می‌کند^{۲۷} و در ادامه می‌افزاید که شیخ فاضلی که خواستار تألیف این کتاب از او شده به کتاب‌هایی که به این روش تألیف شده بود رغبت داشته و او بنا به درخواست وی فهرست خود را تألیف می‌کند.^{۲۸}

از میان فهرست‌های کهن محدثان شیعی (اعم از امامی و غیرامامی)، اینک تنها فهرس نجاشی و شیخ طوسی (دو عالم هم‌عصر در قرن پنجم) به دست ما رسیده است. مقایسه این دو اثر گویای آن است که این دو متن — با وجود برخی اختلافات جزئی — از یک روش پیروی می‌کنند: ذکر نام مؤلفان و مصنفان به ترتیب حروف الفبا، نام بردن از آثار آنان، و ذکر سلسله سند (= طریق) روایت کتاب از فهرست‌نگار (نجاشی / طوسی) تا مؤلف و مصنف اثر. بنابراین همانندی، می‌توان گفت که فهرست‌های محدثان شیعی همگی بر همین روش بوده است. بدین‌گونه هدف مشترکی را نیز برای این نوع نگارشی در سنت محدثان شیعی می‌توان تشخیص داد. شیخ طوسی در مقدمه خود اشاره می‌کند که ترتیب کتاب را براساس حروف معجم قرار داده و نه ترتیب تاریخی مؤلفان و مصنفان، زیرا هدف از تألیف این اثر چیز دیگری بوده است.^{۲۹} این «هدف» چیست؟ ذکر سلسله سند برای هر مؤلف و کتاب نشان می‌دهد که این هدف بیان اعتبار و حجیت کتاب‌ها و میزان اعتماد به آنهاست. تصریح طوسی در ادامه مقدمه که می‌گوید

ذیل نام هر مؤلف به اقوالی که در تعدیل و ترجیح (وثاقت یا عدم وثاقت) او گفته شده و اینکه آیا به روایت وی می توان اعتماد کرد یا نه اشاره می کند،^{۳۰} مؤید همین ادعاست. همین شیوه در فهرست نجاشی هم رعایت شده، هرچند نجاشی — شاید به دلیل رواج و شناخته بودن این شیوه در چنین نگارش هایی — در مقدمه خود بدان تصریح نمی کند. چنانکه گفتیم ظاهراً ترتیب کتاب براساس نام رجال و ذکر همین اقوال در ترجیح و تعدیل مؤلفان و اعتبار روایات آنان موجب شده که «فهرست» نجاشی به «رجال» شهرت یابد.^{۳۱} اگر شیخ طوسی نیز اثری مستقل با نام رجال نداشت، دور نبود که فهرست وی نیز به نادرست به «رجال» مشهور شود. به همین دلیل است که اینک فهرس نجاشی و طوسی دو منبع از منابع اصلی رجال شیعه به شمار می آیند.

نجاشی در پایان مقدمه، در یکی — دو سطر، به روش خود در تألیف و تنظیم کتاب اشاره می کند: اشاره به طبقه نخست مؤلفان، ترتیب الفبایی و ذکر طریق روایت کتاب برای هر مصنف.^{۳۲}

۴-۲. ترتیب، روش و محدوده موضوعی

فهرست نجاشی از سه بخش کلی (دو بخش کوتاه و یک بخش بلند) تشکیل شده است: دیباچه ای کوتاه که در آن به انگیزه تألیف فهرست اشاره شده؛ بخشی که در آن از طبقه نخست مؤلفان شیعی و آثار آنان یاد شده؛ و بخش سوم که در آن مؤلفان شیعی (یا مؤلفانی که در کتاب هایشان روایات امامان شیعه درج شده) و آثار آنان، به ترتیب حروف الفبا (البته تنها براساس حرف نخست نام آنان) یاد شده اند. نجاشی — پس از مقدمه ای کوتاه — نخست طبقه اول از مصنفان شیعه را می آورد و در آن شش تن از مصنفان متقدم شیعه (ابو رافع، علی بن ابی رافع، ربیعة [صحیح: زمعة] بن سمیع، سلیم بن قیس، اصبع بن نباته) یا راوی از ائمه شیعه (عبیدالله بن حرّ جعفری) و تألیفات آنان را یاد می کند (ص ۴-۹). این شش تن همگی از اصحاب یا معاصران امام علی (ع) به شمار می روند و به همین دلیل است که نجاشی آنان را «طبقه اولی» و «متقدمین در تصنیف از سلف صالح» می نامد (به ترتیب: ص ۴ و ۳) و از دیگر راویان جدا می کند. درباره بقیه مصنفان، نجاشی — همانند شیخ طوسی در الفهرست — ترتیب الفبایی حرف آغازین نام مؤلف را ملاک قرار می دهد (نجاشی هر باب را به ترتیب الفبا به یک حرف اختصاص داده اما به رعایت حرف دوم و سوم نامها در درون هر باب ملترزم نیست) و

البته در پایان (ص ۴۵۴-۴۶۲) بابتی را به مؤلفانی که به کنیه‌شان اشتها دارند اختصاص می‌دهد. در متن موجود فهرست نجاشی مجموعاً از ۱۲۶۹ مصنف یاد شده است. سوای این تقسیم‌بندی کلی، فهرست نجاشی در نسخه‌های اساس متن چاپی به دو جزء تقسیم شده است: جزء نخست (ص ۳-۲۰۹) با «باب الظاء» پایان می‌یابد و جزء دوم (ص ۲۱۳-۴۶۲) با «باب العين» آغاز می‌شود. دلیل این تقسیم‌بندی مشخص نیست و بدون این تقسیم‌بندی در سیر کتاب هیچ خللی پیش نمی‌آید، از همین رو احتمال آن که این تقسیم‌بندی اصیل نباشد اندک نیست.

چنانکه دیدیم، فهرست نجاشی بر اساس نظم موضوعی تدوین نشده و از سنت رایج در تدوین فهرست‌های محدثان شیعی پیروی می‌کند. با این همه از آنجا که موضوع فهرست نجاشی مؤلفان شیعی است و گرایش عقیدتی مؤلفان معمولاً در آثار دینی و مذهبی (فقهی، حدیثی، کلامی) آنان نمود می‌یابد، فهرست نجاشی نیز تقریباً به این گونه آثار اختصاص یافته است. با وجود این گاه از آثار دیگری، مثلاً در موضوع انساب، نیز در فهرست نجاشی یاد شده است. شاید دلیل این امر این باشد که فهرست نجاشی بر اساس نام مؤلفان و نه نام کتاب‌ها تنظیم شده، بنابراین طبیعی خواهد بود که فهرست‌نگار هنگامی که از آثار دینی (فقهی، حدیثی، کلامی) یک مؤلف نام می‌برد استطراداً به آثار او در موضوعات دیگر نیز اشاره کند.

۳. ابن خیر و فهرست او

۳-۱. احوال و آثار، زمان و مکان

ابوبکر محمد بن خیر اموی اشبیلی، لغت‌شناس، محدث و فقیه مالکی مذهب قرن ششم است. در رمضان سال ۵۲۰ ق در اشبیلیه اندلس متولد شد. نخستین و مهمترین استاد او شریح بن محمد رعینی (قاضی و خطیب اشبیلیه) است که ابن خیر تا هنگام مرگ او (در سال ۵۳۹) ملازم وی بود. محدوده سفرها و فعالیت‌های ابن خیر از اسپانیای اسلامی (اشبیلیه، قرطبه، جزیره خضراء، جزیره طریف و شلب) فراتر نمی‌رود. ابن خیر در قرطبه بر کرسی تدریس نشست و در اواخر عمر (به سال ۵۷۳) امام مسجد جامع قرطبه شد، و ظاهراً به همین جهت به «قرطبی» اشتها یافت. شهرت ابن خیر به کتاب فهرست اوست. جز این اثر مشهور، حاشیه‌ای بر صحیح مسلم (شامل

شرح الفاظ مشکل و تفسیر برخی از معانی) از او باقی مانده است. ابن خیر در ربیع الاول سال ۵۷۵ ق در قرطبه درگذشت.^{۳۳} وی دست کم تا سال ۵۶۴ به تألیف و تکمیل فهرست خود مشغول بود.^{۳۴}

فهرست ابن خیر به کوشش کودرا و شاگردش تاراگو در دو مجلد (ج ۱: متن؛ ج ۲: فهرست‌ها) به سال ۱۸۹۳ م در سرقسطه اسپانیا (در سلسله گنجینه کتاب‌های عربی اسپانیا، ش ۹ و ۱۰) به چاپ رسید. چاپ دیگر این اثر به اشراف زهیر فتح‌الله بر اساس متن ویراسته کودرا — تاراگو به سال ۱۳۹۹ ق (۱۹۷۹ م) در بیروت منتشر شده است.^{۳۵} چاپ مورد استناد ما در این مقاله همان متنی است که به اشراف زهیر فتح‌الله منتشر شده است.

۳-۲. عنوان اثر

عنوان فهرست ابن خیر در متن چایی چنین است: «فهرسة ما رواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم و انواع المعارف»، اما چنانکه مصحح کتاب یادآور شده،^{۳۶} در نسخه خطی اثر چنین عنوانی برای آن یاد نشده و این عنوان انتخاب مصحح از سخنان مؤلف در مقدمه کتاب است. با این همه می‌توان گفت که این نام انتخابی اگر اصیل نباشد، باری صحیح می‌تواند بود.

۳-۳. مقدمه: روش‌نامه و گرایش‌های فهرست‌نگار

ابن خیر بر فهرست خود مقدمه‌ای نوشته است که چندان بلند نیست (فهرست ابن خیر، ص ۵-۲۲)، اما به جهت نوع نگاه ابن خیر به فهرست‌نویسی و مشخص ساختن جایگاه گونه‌های نقل و روایت و ارزش هر یک از این گونه‌ها در وثاقت متن روایت‌شده، دارای اهمیت بسیار است. وی در مقدمه خود با استناد به احادیث نبوی جایگاه و ارزش خاص هر یک از شیوه‌های نقل را — البته مطابق با مبانی حجیت در حدیث‌شناسی اهل سنت — شرح می‌دهد. ابن خیر پس از ستایش خداوند و سلام بر پیامبر و خاندانش، با استناد به احادیث نبوی — با سند متصل از خود تا پیامبر — از «علم» و لزوم «عمل» به آن، انواع علم، ستایش حفظ و انتقال حدیث پیامبر، پاداش عالم و متعلم و ارجمندی آنان سخن می‌گوید (ص ۵-۷) و سپس احادیثی در فضیلت حدیث، علم فقه و حمل و نشر آن می‌آورد (ص ۷-۱۲). از این پس بخشی از مقدمه

این خیر که مرتبط با وثاقت متون و حجیت آنهاست آغاز می‌شود. وی نخست به وظایفی که بر عهده دانش پژوه است اشاره می‌کند و آن را به دو دسته تقسیم می‌کند: وظایف حمل و روایت، و وظایف تأدیه (ادا کردن) و تبلیغ (ص ۱۲). در روایت، ابن خیر سماع راوی از شیخی که کتاب را از او روایت می‌کند (از روی کتاب یا از حفظ)، عرض دادن (= قرائت) راوی و سماع شیخ، مناوله (اعطای کتاب از شیخ به راوی) و در نهایت اجازه روایت کتاب از شیخ به راوی را به ترتیب مراتب برتر تا فروتر روایت معرفی می‌کند. وی برای اثبات این مراتب و تعیین اعتبار آنها کلام خود را به احادیث نبوی - به سند متصل از خود تا پیامبر - مستند می‌سازد (ص ۱۲-۱۶). بدین ترتیب ابن خیر جایگاه و ملاک روایت را کاملاً مستند ساخته و به خوبی نشان می‌دهد که اعتبار و حجیت روایت در نزد وی چه اندازه مهم است؛ امری که به خوبی گرایش محدثانه او را نشان می‌دهد. ابن خیر از تبلیغ و وظایف مبلغ هم به کوتاهی سخن می‌گوید (ص ۲۰) و در آن دوباره بر دقت در نقل حدیث و کتاب تأکید می‌کند. بخش پایانی مقدمه ابن خیر به نظرات مختلف در نقل حدیث - مانند: جواز «نقل به معنا» - و شرح برخی اصطلاحات در نقل و تحمّل حدیث - مانند: «آخرنا» و «حدثنا» - می‌پردازد.

این مقدمه نشان‌دهنده توجه خاص ابن خیر به حجیت متون مطابق مبانی محدثان است، نکته‌ای که از ذکر سلسله سند برای روایت هر کتاب هم به خوبی می‌توان آن را دریافت. بدین‌گونه طبیعی است که ابن خیر کتاب‌هایی را که از مشایخ خود روایت می‌کرده و برای نقل آنها اجازه داشته در فهرست یاد کند، چنانکه در آغاز متن و پس از مقدمه عبارت «ذکر ما رویته عن شیوخی - رحمهم الله -» را می‌آورد (ص ۲۳).

۳-۴. ترتیب، روش و محدوده موضوعی

فهرست ابن خیر فصل‌بندی دقیقی ندارد. در مجموع می‌توان فهرست او را به یک مقدمه (ص ۵-۲۲) و پنج بخش کلی تقسیم کرد. این پنج بخش را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱. کتب علوم قرآنی (ص ۲۳-۷۶).
۲. موطأ مالک بن انس و کتاب‌های پیرامونی آن (ص ۷۷-۹۳).
۳. مسندهای حدیثی، فقه صحابه و تابعین، سیر و انساب، اصول دین و اصول فقه، کتب فرائض و رؤیا و زهد و مانند آن (ص ۹۴-۳۰۴).

۴. کتاب‌های ادب و لغت (ص ۳۰۵-۳۹۴).

۵. اشعار (ص ۳۹۵-۴۲۵).

هر یک از این پنج بخش خود به موضوعات فرعی متعددی - با عنوان یا بی عنوان - تقسیم می‌شوند. برای نمونه بخش سوم به تنهایی به بیش از ۱۵ بخش تقسیم شده است. عنوان هر بخش - به ویژه بخش سوم - نیز محدود نیست و موضوعات چندگانه‌ای را دربرمی‌گیرد. علومی که در هر بخش در کنار یکدیگر نشسته‌اند قاعدتاً در نظر ابن خیر با هم قرابت دارند. ابن خیر در ذیل نام هر کتاب، سلسله سند (= طریق) روایت کتاب را از خود تا مؤلف به طور متصل یاد می‌کند.

چنانکه می‌بینیم، ترتیب فهرست ابن خیر موضوعی است، بدین گونه که از کتب علوم قرآنی و قرائت آغاز می‌شود، سپس به ترتیب کتاب‌های موطّات، سنن و فقه صحابه و تابعین، حدیث، مستندهای حدیثی، غریب الحدیث، علل حدیث، تاریخ، رجال، فقه، اصول دین و اصول فقه، اشربه، فرائض، رؤیا و زهد می‌پردازد (ص ۲۳-۲۸۱)، در ادامه از کتب آداب و لغت و شروح یاد می‌کند (ص ۳۲۰-۳۹۴) و به دنبال آن به ذکر کتب شعر و نام شاعرانی که ابوعلی بغدادی آنان را به اندلس آورده می‌پردازد (ص ۳۹۵-۳۹۷). این ترتیب گویای آن است که ابن خیر شرافت موضوع را مدّ نظر داشته و به همین جهت فهرست خود را از قرائت قرآن آغاز کرده و به دواوین شاعران پایان بخشیده است.

جز این پنج بخش و بخش‌های فرعی میان آنها، ابن خیر چند باب مستقل به پایان کتاب افزوده است:

باب نخست با عنوان «ذکر ما رویته من الفهارس الجامعة لروایات الشیوخ - رضی الله عنهم - و توالیفهم» (ص ۴۲۵-۴۳۸) دربردارنده نام ۷۴ فهرست و سلسله سند روایت ابن خیر از آنهاست. چنانکه از سلسله اسناد این باب پیداست، مؤلفان بعضی از این فهرست‌ها از مشایخ ابن خیر و معاصران او هستند که او بدون واسطه فهرستشان را از آنان روایت می‌کند^{۳۷} و بقیه نیز حداکثر دو - سه نسل با او فاصله دارند. در میان این فهرست‌ها، دو اثر از معاصران ابن خیر، عنوان «شیوخ» دارند^{۳۸} که قاعدتاً باید آنها را از زمره رساله‌های «مشیخه» به حساب آورد نه «فهرست». وجود این دو اثر در میان فهرست‌ها نشان می‌دهد که ابن خیر و معاصران هم مسلک و هم‌کیش او فرق چندانی میان «فهرست» و «مشیخه» قائل نبودند. تعداد قابل توجه فهرست‌هایی که ابن خیر از

آنها نام می‌برد - و احتمالاً از نظر موضوع و شیوه تدوین هم خانواده فهرست ابن خیر بوده‌اند - شایان توجه است و نشان می‌دهد که این شیوه از فهرست‌نگاری در میان اهل سنت (به ویژه در اسپانیای اسلامی) ۳۹ هم رواج داشته و بنابراین مختص شیعه نبوده است. این باب نشانگر آن است که ابن خیر نیز در ادامه همان سنت فهرست خود را تألیف و تدوین کرده است.

باب دوم با عنوان «باب جامع یفیدک اتساع الروایة من جهة الاجازة» (ص ۴۳۸-۴۵۲) سلسله سند روایت ابن خیر به مجموعه تألیفات (به تعبیر ابن خیر: «توالیف») و گاه روایات بیش از هفتاد تن از مشایخ، فقها و حفاظ است. به دنبال این باب ابن خیر به تفسیر «الاجازة العامة» می‌پردازد (ص ۴۵۳-۴۵۵) و محدثانه مقصود از اجازة عامه را بیان می‌کند.

عنوان باب دیگر چنین است: «تسمية الشيوخ الذين رویت و اجازوا لی لفظاً و خطأ ممن لقیته و من لم ألقه - رحمهم الله -» که ابن خیر در آن مشایخ خود را که از آنان روایت می‌کند و آنان شفهاً یا کتباً به وی اجازة روایت داده‌اند، به تفکیک محل اقامت آنان (قرطبه، مریه، مالقه، جزیره خضراء و بلاد دیگر) و نیز به تفکیک آنکه خود آنان را دیده یا تنها از طریق نامه از آنان اجازة گرفته، نام می‌برد (ص ۴۵۶-۴۶۳). این باب را در حقیقت می‌توان «مشیخة» ابن خیر به شمار آورد.

چنانکه می‌بینیم، فهرست ابن خیر بر اساس آمیزه‌ای از موضوع محوری، کتاب محوری و دانشمند محوری تدوین شده و تنظیم چندان یکدستی ندارد. برای نمونه بیشتر بخش‌های اصلی کتاب او بر اساس موضوع مرتب شده، اما در این میان بخش دوم فهرست حول محور موطاً مالک بن انس - که ابن خیر پیرو مذهب فقهی او بوده - شکل گرفته، و در ذیل کتاب‌های زهد، از تألیفات ابن ابی دنیا، ابوسعید بن اعرابی، ابوبکر محمد بن حسین اجری و ابودر عبد بن احمد هروی به طور مستقل یاد شده (ص ۲۸۲-۳۰۴) و بدین گونه ترتیب موضوع - مؤلف ملاک قرار گرفته است.

فهرست ابن خیر از نظر موضوع اندکی از فهرست نجاشی فراگیرتر است و دقیقاً علوم انسانی - در گستره مفهومی امروزی - را دربرمی‌گیرد. تخصص ابن خیر در علوم دینی و ادبی به وضوح در فهرست او تأثیر نهاده است.

۴. نتیجه گیری و تحلیل کلی

اینک به روشنی می توان گفت که انواع کتابشناسی های کهن در جهان اسلام از نظر روش با یکدیگر تفاوت داشته اند. مقایسه انواع مختلف فهرست های کهن نشان می دهد که در تفاوت میان فهرست ها بیش از آنکه بتوان بر مذهب، زمان و مکان فهرست نگاران تکیه کرد، می باید به نوع مخاطبان و کاربرد فهرست ها توجه داشت.

ابن ندیم ظاهراً شیعه بوده یا دست کم گرایش های شیعی داشته، اما موضوع و روش فهرست نگاری او با فهرس شیعی نجاشی و شیخ طوسی که در ادامه سنت فهرست نگاری محدثان قدیم شیعه نوشته شده اند و در حقیقت آخرین حلقه از سنت فهرست نگاری محدثان قدیم شیعی به شمار می روند^{۴۱} متفاوت است. از سوی دیگر، فهرست ابن خیر که نوشته یک فقیه و محدث سنی مالکی مذهب است و آن نیز در ادامه سنت فهرست نگاری مخصوص خود نوشته شده، از نظر موضوع و روش فهرست نگاری به فهرست های نجاشی و طوسی شباهت دارد.

در این روش فهرست نگاری، فهرست نگار در ذیل هر نام هر مصنف یا اثر، سلسله سند - یا به تعبیر فنی تر: طریق روایت - کتاب را از خود تا مؤلف ذکر می کند. این شیوه که دقیقاً همانند روایت مسند و متصل احادیث است، گرایش محدثان این نوع فهرست ها را نشان می دهد. بدین ترتیب، در این روش فهرست نگار تنها آثار را در فهرست خود درج می کند که خود آنها را روایت می نماید. به همین دلیل است که فهرست های نجاشی و ابن خیر موضوعی محدود و مرتبط با دانش فهرست نگار را در برمی گیرند و فهرستی فراگیر - مانند فهرست ابن ندیم که همه موضوعات را شامل می شود - نیستند. از آنجا که فهرست نگار اجازه روایت این آثار را از شیخ و استادی در آن رشته گرفته، طبعاً می باید آگاهی بی از آن موضوع و علاقه ای بدان کتاب که آن را روایت می کند داشته باشد. همین امر محدوده تخصصی تر این فهرست ها را نشان می دهد. همین جاست که روایت یک متن، گرایش عقیدتی فهرست نگار را آشکار می کند: نجاشی فهرست خود را به آثار علمای شیعه و یا کتاب هایی که روایات ائمه شیعه را در بردارد اختصاص می دهد، و ابن خیر از سویی جایگاهی ویژه ای برای موطأ مالک - که خود پیرو مذهب فقهی او بوده - قائل می شود و از سوی دیگر به هیچ یک از آثار علمای شیعه اشاره ای نمی کند. چنانکه دیدیم، فهرست ابن خیر در موضوع نیز همانند فهرست نجاشی است و کتاب های دینی و ادبی را در برمی گیرد و از جهت گرایش های فرقه ای نیز هم مسلکان فهرست نگار در آن ذکر شده اند.

ذکر سلسله سند روایت کتاب، مهمترین ویژگی مشترک فهرست های نجاشی و ابن خیر، و از منظری پر فایده ترین و با اهمیت ترین بخش این نوع از کتابشناسی ها به شمار می آید. ذکر طریق روایت کتاب نه تنها نشانه توجه خاص این نوع از فهرست ها به حجیت کتاب ها و متون است، فواید جنبی دیگری نیز دارد که امروزه برای ما ارزش بسیاری می تواند داشته باشد. از سلسله سندهایی که نجاشی و ابن خیر برای روایت کتاب ها نقل می کنند به خوبی می توان سیر انتقال کتاب در گذر زمان از یک ناحیه به ناحیه ای دیگر، راویان اصلی روایت کتاب مؤلف از او، اختلاف نسخه های کتاب و طریق روایت نسخه های مختلف یک اثر را شناخت، به اطلاعاتی از احوال مشایخ پیش از فهرست نگار و معاصر با او، سفرهای آنان، استادان و شاگردانشان دست یافت، و به طرق مختلف انتقال یک متن (سماع، قرائت، مناو له، اجازه شفاهی و مکتوب) در ادوار زمانی گوناگون پی برد. ^{۴۲} برای نمونه تنها از طریق این سلسله سندهاست که ما امروزه از مشایخ و استادان نجاشی آگاهی داریم. این نوع از نگارش های فهرستی از همین جهت با رساله های «مشيخه» مشابهت می یابند.

فهرست ابن خیر به نوعی روش فهرست نجاشی را تفسیر می کند و رمزه های آن را می گشاید. مقدمه ابن خیر انواع اصطلاحات تحمل متن را شرح می دهد، و باب نخست پایان فهرست او (ص ۴۲۵-۴۳۸) نشان می دهد که فهرست نگار با سند روایت خود از فهرست های گذشته در تدوین و تألیف فهرست خود سود می جست است و باب بعدی آن (ص ۴۳۸-۴۵۲) گویای رواج اجازه روایت کلی آثار یک مؤلف است. همه این موارد می تواند ما را در فهم، تفسیر و شناخت روش نجاشی در فهرستش یاری کند. برای نمونه در فهرست های کهن نجاشی و طوسی اصطلاحاتی که در مقدمه ابن خیر شرح و تبیین شده اند کاربردی اساسی دارند، اما خواننده نا آشنا با نوع کتابشناسی محدثان شیعی شاید جایگاه و ارزش خاص هریک از این اصطلاحات را دریابد، حال آنکه مقدمه ابن خیر در فهم آنها کارگشاست.

با همه این مشابهت ها، فهرست های نجاشی و ابن خیر تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. تفاوت عمده فهرست ابن خیر با فهرست های شیعی نجاشی و طوسی از جهت شیوه تنظیم است که در بخش های عمده ای از فهرست وی — برخلاف فهرس نجاشی و طوسی — نظم موضوعی رعایت شده است. از این منظر، ظاهراً فهرست ابن خیر و سنت فهرستنگاری دانشمندان دینی اهل سنت از روش تدوین ابن ندیم در الفهرست تأثیر پذیرفته، حال آنکه فهرست نجاشی و سنت فهرستنگاری محدثان شیعی در

ترتیب فهرست اولویت را به مؤلف می‌داده است. عنوان فهرست نجاشی که «فهرست اسماء مصنفی الشیعه» نام دارد به خوبی این شیوهٔ تدوین را نشان می‌دهد.

تقسیم‌بندی ابن ندیم که هر مقاله را به یک موضوع کلی اختصاص داده و در ذیل آن موضوع کلی علوم را که به نظر وی با یکدیگر قرابت داشته‌اند در کنار هم جای می‌دهد، از این نظر اهمیت فراوانی دارد که تصور عمومی دانشمندان جهان اسلام دربارهٔ طبقه‌بندی علوم در آن دوره را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد در قرن چهارم چه علمی از یک سنخ به شمار می‌آمده‌اند. از کنار هم قرار دادن موضوعات مختلف می‌توان به قرابت آنها در نظر ابن ندیم پی برد. اینکه ابن ندیم در هر «مقاله» چه «فن» (= علم)‌هایی را در کنار هم قرار می‌دهد گویای آن است که وی این علوم را از یک رشته می‌دانسته یا — دست کم — میان آنها قرابتی می‌دیده است. برای نمونه از فهرست وی می‌توان دانست که افسانه‌پردازی، تاریخ‌گویی و نسب‌شناسی از یک سنخ به شمار می‌آمده (موضوعات «فن»‌های «مقاله» سوم) و فقه و حدیث (موضوعات «فن»‌های «مقاله» ششم) از یک زمره تلقی می‌شده‌اند. اینکه ابن ندیم علوم فقه و حدیث را در یک مقاله و روایات تاریخی و افسانه‌های پیشینیان را در یک مقاله قرار می‌دهد، گویای آن است که دانشمندان اسلامی عصر او حساسیتی را که در باب وثاقت روایات دینی داشته‌اند برای وثاقت روایات تاریخی قائل نبوده‌اند. همین تقسیم‌بندی را در فهرست ابن خیر نیز می‌توان دید و همان استنباط را از کنار هم قرار دادن علوم مختلف در آن می‌توان کرد؛ افزون بر آنکه ابن خیر در ترتیب فهرست خود شرافت علوم بر یکدیگر را نیز مدّ نظر داشته است.

این شیوهٔ تدوین ما را به تفاوت مهم‌تری نیز رهنمون می‌شود. فهرست ابن خیر تنها عهده‌دار حجیت متن به مؤلف اثر است و از آن فراتر نمی‌رود و — به تعبیری دیگر — با ذکر سلسلهٔ سند متصل به مؤلف کار خود را پایان یافته می‌انگارد؛ اما فهرست محدثان شیعی (مخصوصاً فهرست‌های نجاشی و طوسی) از وضعیت رجالی مصنف آن (از نظر وثاقت، عقیده، وضعیت فکری و سلامت در ادوار مختلف روایت حدیث) هم سخن می‌گویند و گاه به بیان اعتبار کتاب و روایات آن نیز می‌پردازند، و در واقع آمیزه‌ای از دانش کتابشناسی و دانش رجال هستند. به همین دلیل است که فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی برخلاف فهرست ابن خیر نظم موضوعی ندارد و بر اساس نام مؤلفان تنظیم شده است. یک نظریهٔ اخیر در حدیث‌شناسی شیعی، با تکیه بر روش خاص فهرست محدثان قدیم شیعه بر آن است که این نوع خاص از فهرست‌نگاری مختص محدثان

قدیم شیعه (در قرن ۴ و ۵) بوده و به قصد بیان اعتبار و حجیت کتاب‌ها به کار می‌رفته است،^{۴۳} شیوه‌ای که بعدها منسوخ شده و دیگر ادامه نیافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک: فهرست ابن ندیم، ص ۷-۲۳.
۲. درباره فهرست آثار جالینوس، ترجمه‌های کهن عربی و مستدرکات دانشمندان جهان اسلام بر آن، نک: «گنجور و برنامه او»، ص ۹۴-۹۵؛ نیز: مدخل «جالینوس» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، ص ۲۸۰-۲۸۱، نوشته فرید قاسملو.
۳. این اثر رازی در اختیار ابن ندیم بوده و وی آثار رازی را در کتاب خود بر اساس همین رساله فهرست کرده است (نک: فهرست ابن ندیم، ص ۳۵۷-۳۵۹). بیرونی از این اثر رازی در زمره آثار فلسفی و تخمینی وی نام می‌برد (نک: فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، ص ۱۳).
۴. اذکایی (حکیم رازی، ص ۱۳) درباره ریشه واژه عربی «فهرست» و نخستین کاربرد آن در جهان اسلام می‌نویسد که این کلمه معرب واژه پهلوی «پهرست» (= سیاهه) است و نخستین بار حنین بن اسحاق در قرن سوم این کلمه فارسی‌الاصول را معادل واژه یونانی «پینکس» به کار برد که جالینوس فهرست کتاب‌های خود را به آن نام نامیده بود.
۵. از احوال، استادان، آثار و به طور کلی زندگانی ابن ندیم چیز بسیاری نمی‌دانیم. همه شهرت ابن ندیم به الفهرست اوست و عمده اطلاعات ما درباره او از همین کتاب است. احتمال داده شده که او اصالتاً از اقوام ساکن در بین‌النهرین پیش از ظهور اسلام — و نه از خاندانی عرب یا ایرانی — بوده است. این قدر دانسته است که در بغداد می‌زیسته و مدتی در موصل اقامت داشته است. تاریخی که خود وی در الفهرست به دست می‌دهد سال ۳۴۰ است که او در آن سال با یکی از فقهای خوارج دیدار کرده است. احتمالاً ابوسعید سیرافی، ابوسلیمان منطقی سجستانی، ابوالفرج اصفهانی و ابوعبیدالله مرزبانی از استادان او بوده‌اند. ابن ندیم و پدرش به احتمال پیشه و زراعی و کتابفروشی داشته‌اند و می‌توان گفت که ابن ندیم دست کم با فن و زراعی آشنایی داشته است. بنا به قرائنی در الفهرست می‌توان گفت که وی شیعه امامی بوده، گویا ظاهراً با جامعه امامیه بغداد در زمان خود و مشایخ برجسته آن رابطه زیادی نداشته و به جهت گرایش‌های معتزلی و فلسفی، در عقاید و باورها آزاداندیش و اهل تسامح بوده است. ابن ندیم در سال ۳۸۰ ق درگذشت. برای تفصیل بیشتر درباره او، نک: مدخل «ابن ندیم» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۴۳-۴۶، نوشته حسن انصاری.
۶. الفهرست ابن ندیم تا کنون چندبار به چاپ رسیده است. مشهورترین آنها چایی است که به کوشش محمدرضا تجدد در سال ۱۳۵۰ ش در تهران منتشر شد و در سال ۱۳۵۲ ش تجدید چاپ گردید. تجدد پیش از چاپ متن عربی الفهرست، ترجمه‌ای فارسی از آن (براساس چاپ قلوگل و دو نسخه خطی چستریتی و شهید پاشا) به سال ۱۳۴۳ ش منتشر کرده بود که در سال ۱۳۴۶ ش به چاپ دوم رسید. گویا اینک نیز پرویز اذکایی (در ایران) و ایمن فوآد سید (در مصر) جداگانه مشغول تصحیحات دیگری از این

- اثر هستند. برای آگاهی بیشتر درباره فهرست، وضعیت نسخه‌های خطی و چاپ‌های آن، نک: همان، ج ۵، ص ۴۶-۴۷.
۷. نک: فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، ص ۵-۱۸.
۸. از این فهرستگان تاکنون ۴ جلد منتشر شده (تهران، سروش، ۱۳۷۰-۱۳۷۶ ش) و متأسفانه تدوین نهایی و انتشار آن نیمه‌کاره رها شده است.
۹. منتشر شده با این مشخصات: تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸-۱۳۵۲ ش؛ ۶ جلد.
۱۰. این اثر که فهرست آثار علمای قدیم و جدید اسماعیلیه است، به کوشش علی‌نقی منزوی در سال ۱۳۴۴ ش در چاپخانه دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.
۱۱. برای آگاهی اجمالی درباره سزگین و اثر او (تاریخ نگارش‌های عربی)، نک: مقدمه سرویراستار ترجمه فارسی بر تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۱۳-۱۴. از کتاب سزگین تاکنون ۱۲ جلد (طی سال‌های ۱۹۶۷-۲۰۰۰ م) منتشر شده است. تا زمان نگارش این مقاله، چهار جلد نخست از کتاب او با ترجمه، تدوین و آماده‌سازی مؤسسه نشر فهرستگان (تهران، ۱۳۸۰ ش) همراه با اضافات و اصلاحات به فارسی منتشر شده است (درباره مزایای این ترجمه فارسی بر اصل آلمانی، نک: همان، ص ۱۶-۲۰).
۱۲. نک: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۲۹.
۱۳. دفتر اول کتاب مدرسی طباطبایی در سال ۲۰۰۳ م به زبان انگلیسی در آکسفورد به چاپ رسید و ترجمه فارسی آن زیر نظر مؤلف نخستین بار در سال ۱۳۸۳ ش در قم منتشر شد. دفتر دوم این کتاب هنوز منتشر نشده است. برای معرفی و نقد اجمالی این اثر، نک: «فهرستی تازه از میراث مکتوب شیعه»، ص ۲۷-۴۰.
۱۴. نک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۳.
۱۵. نک: بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۲۰-۷۰. برای مستندات و تفصیل بیشتر در باب احوال، استادان و آثار نجاشی، نک: همان‌جا.
۱۶. نک: بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۷۱-۷۳.
۱۷. برای چاپ‌های مختلف این کتاب، نک: همان، ص ۱۷۵-۱۷۶. برای فهرستی از نسخه‌های خطی آن، نک: فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۱.
۱۸. نک: فهرست طوسی، ص ۱، ۳.
۱۹. درباره شهرت نادرست این کتاب به «رجال»، نک: قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۴. برای نظری مخالف در توجیه عنوان «رجال» برای فهرست نجاشی، نک: بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۷۱-۷۲.
۲۰. برای نمونه، نک: فهرست نجاشی، ص ۵۸-۶۰، ۱۲۷.
۲۱. برای نمونه، نک: فهرست نجاشی، ص ۶۶-۶۷، ۲۱۳.
۲۲. نک: همان، ص ۵۸-۶۰، ۱۲۷؛ نیز: «نگره‌های کتابشناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی»، ص ۱۸۶.
۲۳. برای نمونه، نک: فهرست نجاشی، ص ۶۶-۶۷.
۲۴. همان، ص ۱۵، ۴۹، ۲۴۴، ۱.
۲۵. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۱۵۹-۱۶۲. برای فهرستی از منابع نجاشی در تألیف فهرست، نک: همان، ص ۱۴۹-۱۶۹.
۲۶. فهرست طوسی، ص ۲. طوسی در پایان مشیخه تهذیب الاحکام (ج ۱۰، ص ۸۸) نیز به کتاب‌های «فهرست» اشاره می‌کند.

۲۷. همان جا.

۲۸. همان، ص ۳.

۲۹. همان جا.

۳۰. همان، ص ۳-۴.

۳۱. نک: بازنشاسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۷۱-۷۲، که برای توجیه عنوان «رجال» برای فهرست نجاشی به دلایلی مانند این استناد می‌کند.

۳۲. متن مقدمه نجاشی در شکل کنونی اندکی آشفته می‌نماید. به نظر می‌رسد که سطور پایانی مقدمه کوتاه نجاشی در نسخه‌های موجود اندکی جابجا شده و سیر منطقی خود را از دست داده است. این احتمال نیز دور نیست که عباراتی از مقدمه در نسخه‌های موجود افتاده باشد. کهن‌ترین نسخه‌های موجود فهرست نجاشی از قرن دهم قدیمتر نیست (نک: فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۱، ص ۲۹۸) که با زمان تألیف اثر بیش از پنج قرن فاصله دارد، و این خود احتمال افتادگی و اغلاط در نسخه‌های موجود را افزایش می‌دهد. هرچند متن چاپی مورد استناد ما به گفته مصحح آن بر ۱۴ نسخه خطی قدیمی که غالب آنها تصحیح شده و مورد اعتماد بوده مبتنی است (فهرست نجاشی، ص ۲)، با این همه برخی افتادگی‌ها را به روشنی می‌توان در آن دید (برای نمونه، نک: همان، پایان ص ۴۶۰ و آغاز ص ۴۶۱). در هر حال، شاید بتوان متن مقدمه نجاشی را به صورت زیر بازسازی کرد (به جای ص ۳ از متن چاپی) که هم منطقی‌تر می‌نماید و هم با آغاز کتاب - که ذکر «طبقة اولی» است - همخوان‌تر است (در موضعی که ظاهراً بخشی از متن افتاده است سه نقطه در کروشه گذاشته‌ایم):

«بسم الله الرحمن الرحيم»

الحمد لله رب العالمين و صلواته على سيدنا محمد النبي و على أهل بيته الطاهرين

أما بعد، فإني وقتت علي ما ذكره السيد الشريف - أطال الله بقاءه و أدام توفيقه - من تعبير قوم من مخالفتنا أنه لا سلف لكم ولا مصنف، وهذا قول من لا علم له بالناس ولا وقف علي أخبارهم ولا عرف منازلهم و تاريخ أخبار أهل العلم و لا لقي أحداً فيعرف منه، ولا حجة علينا لمن لم يعلم ولا عرف. [...] علي أن لأصحابنا - رحمهم الله - في بعض هذا الفن كتباً ليست مستغرقة لجميع ما رسمه، وأرجو أن يأتي في ذلك علي ما رسم وحد - إن شاء الله - . وقد جمعت من ذلك ما استطعته، ولم أبلغ غاية لعدم أكثر الكتب، وإنما ذكرت ذلك عذراً إلي من وقع إليه كتاب لم أذكره. وقد جعلت للأسماء أبواباً علي الحروف ليهون علي الملتبس لاسم مخصوص منها، وذكرت لرجل طريقاً واحداً حتى لا يكثر (تكثر) الطرق فيخرج عن الغرض.

[وها] أنا أذكر المتقدمين في التصنيف من سلفنا الصالح - وهي أسماء قليلة - ، و من الله أستمد المعونة.»

۳۳. نک: مدخل «ابن خیر» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۷۲-۴۷۳، نوشته محمد مهدی مؤذن جامی.

۳۴. همان، ص ۴۷۳.

۳۵. چاپ کودرا - تاراگو مبتنی بر نسخه خطی محفوظ در کتابخانه اسکوریال (مادرید) است که به سال ۷۱۲ق (در ۱۵۵ برگ ۲۳ سطری) کتابت شده است (فهرست ابن خیر، مقدمه کودرا، ص «ح-ط»). این نسخه خطی با آنکه با نسخه‌های دیگر مقابله شده اما عاری از برخی اغلاط و اشتباهات نیست (همان، ص «ط-»).

چاپ زهیر فتح‌الله در واقع همان چاپ پیشین است که زهیر فتح‌الله مقدمه‌ای در سه صفحه بر آن افزوده و در آن (همان، ص «ا-ب») تصریح کرده که در این چاپ در ترتیب صفحات و رسم الخط چاپ کودرا - تاراگو (که عیناً رسم الخط یگانه نسخه خطی اساس چاپ اوست) تغییری داده نشده اما برخی نادرستی‌های چاپ نخست [به روش تصحیح قیاسی و نه با مراجعه به نسخه خطی اساس طبع کودرا یا نسخه خطی دیگر] اصلاح گردیده، سراسر متن به شیوه جدید با علائم سجاوندی نشانه‌گذاری شده، بعضی حواشی با علامت «المشرف» (به قصد تذکر اشتباهات و احياناً توضیح دشواری‌های متن) در پانوشته‌ها افزوده شده، و به جای مقدمه کودرا و شاگردش ترجمه عربی آن درج شده است. با این همه برخی اغلاط در این چاپ همچنان باقی مانده است (برای نمونه: ص ۱۸۰ س آخر و ص ۱۸۱ س ۴، «راقهریزی» به جای «زامهریزی»؛ ص ۴۲۴ س ۱۶-۱۷، اشتباه در ذکر نسب شریف رضی).

۳۶. فهرست ابن‌خیر، ص - ی - .

۳۷. برای نمونه، نک: همان، ص ۴۲۷-۴۲۸، ۴۳۷-۴۳۸.

۳۸. نک: همان، ص ۴۳۳، ۴۳۶.

۳۹. چنانکه پیداست بسیاری از این فهرست‌ها از معاصران ابن‌خیر در قرطبه و نواحی نزدیک به آن است.

۴۰. نیز، نک: ص ۳۱۸-۳۱۹، که در پایان کتاب‌های نحواز کتاب‌های ابوعلی فارسی فسوی به شکل مستقل یاد می‌کند.

۴۱. فهرست منتجب‌الدین رازی که در قرن ششم به عنوان متکم فهرست شیخ طوسی نوشته شده، نه تنها از نظر روش با فهرست شیخ طوسی کاملاً متفاوت است، بلکه از نظر نوع نگارشی نیز جزء کتاب‌های «فهرست» به شمار نمی‌رود و باید آن را از زمره کتاب‌های «تراجم» به شمار آورد.

۴۲. برای نمونه‌های بهره‌های کتابشناسانه در فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی، نک: «نگره‌های کتابشناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی»، ص ۱۸۲-۱۹۵. همه نمونه‌های مذکور در آن مقاله را در فهرست ابن‌خیر نیز می‌توان یافت. تنها برای نمونه اشاره می‌کنیم که ابن‌خیر سلسله‌سند‌های متفاوتی را برای روایت‌های مختلف مواء مالک (نک: فهرست ابن‌خیر، ص ۷۷ و ۸۵) و الجامع الصحیح بخاری (نک: همان، ص ۹۴ و ۹۷) به دست می‌دهد. خواننده در محدوده صفحات ۷۷ تا ۸۶ از فهرست ابن‌خیر انواع فوائد سلسله‌سند‌ها را - که در بالا به آن اشاره کردیم - می‌تواند بیابد.

۴۳. برای آگاهی از این نظریه، نک: «نقد حدیث: کتابشناسی و متن پژوهی»، ص ۵۳-۵۷؛ «نگره‌های کتابشناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی»، ص ۱۸۱؛ آداب امیر المؤمنین، ص ۸-۱۲ (مقدمه محقق).

منابع

آداب امیر المؤمنین (حدیث اربعمئه)، قاسم بن یحیی راشدی، به کوشش مهدی خدامیان آرائی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.

بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، محمدکاظم رحمان‌ستایش - محمدرضا جدیدی‌نژاد، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

تاریخ نگارش‌های عربی، فؤاد سزگین، ترجمه و تدوین فارسی مؤسسه نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.

حکیم رازی حکمت طبیعی و نظام فلسفی، پرویز اذکایی، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

«گنجور و برنامه او»، محمد تقی دانش پژوه، حدیث عشق (به مناسبت بزرگداشت استاد فقید محمد تقی دانش پژوه)، دفتر اول، به کوشش: نادر مطلبی کاشانی - سید محمد حسین مرعشی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

الفهرست، محمد بن اسحاق الندیم، به کوشش محمدرضا تجدد، تهران، بی نا، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ق. فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی)، احمد بن علی نجاشی، به کوشش سید موسی شبیری زنجانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۲۴ ق.

فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اصحاب المصنفین و اصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسی، به کوشش سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

فهرست مارواه عن شیوخه، محمد بن خیر اشبیلی، به کوشش فرانچسکو کودرا - روبرتو تاراگو، به اهتمام زهیر فتح الله، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، چاپ دوم، ۱۳۹۹ م.

فهرست کتاب های رازی و نام های کتاب های بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، تصحیح و ترجمه مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.

فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدراپی خویی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

«فهرستی تازه از میراث مکتوب شیعه»، سید محمد عمادی حائری، آینه پژوهش، ش ۹۲، خرداد - تیر ۱۳۸۴ ش.

قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرسی طباطبایی، دفتر اول، ترجمه سید علی قرائی - رسول جعفریان، قم، مورخ، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.

«نقد حدیث: کتابشناسی و متن پژوهی»، سید محمد عمادی حائری، علوم حدیث، ش ۳۵-۳۶، بهار - تابستان ۱۳۸۴ ش.

نگره های کتابشناسی در فهرست های طوسی و نجاشی، سید محمد عمادی حائری، علوم حدیث، ش ۳۵-۳۶، بهار - تابستان ۱۳۸۴ ش.